

نام‌نگاشت‌های حیات آخرت در قرآن کریم در پرتو نظریه استعاره مفهومی

زینب فیضی^۱

حسین مهتدی^۲

سیدحیدر فرع شیرازی^۳

چکیده

زبان‌شناسی شناختی دانشی است که تحلیلی جدید از ابعاد مختلف فعالیت‌های زبانی و ارتباط وثیق آن‌ها با تفکر بشری ارائه می‌دهد و ورود آن به عرصه تفسیر و معنی‌شناسی قرآن تحولی جدید را در فهم نصوص قرآنی ایجاد کرده است. یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی شناختی معنی‌شناسی شناختی است که مبتنی بر رابطه میان زبان و ذهن است و از استعاره در آن به استعاره مفهومی تعبیر می‌شود. با توجه به سرشت استعاری قرآن برای دستیابی معرفت دینی و جهان‌بینی اسلامی باید دانست که استعاره‌های قرآن ساختار مفهومی خاصی را در شناساندن معارف هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی تفکر بشری دنبال می‌کنند و قرآن کریم با این سرشت استعاری میان ساحت‌ها و عوالم گوناگون ارتباط برقرار نموده است که بر اساس آن‌ها جهان‌بینی قرآنی شکل می‌گیرد؛ از این‌رو به کارگیری رویکرد استعاره مفهومی در فهم مفاهیم قرآنی می‌تواند مهم و اثرگذار باشد. هدف از این پژوهش بررسی نام‌نگاشت‌های حیات آخرت در قرآن کریم با استفاده از نظریه استعاره مفهومی که اولین بار توسط لیکاف و جانسن مطرح شد با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی می‌باشد. قرآن با به کارگیری استعاره‌های مفهومی در تفسیر حیات اخروی تحول و انقلابی عظیم در شناساندن جهان پس از مرگ

*تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸ | DOI: [10.29252/PAQ.8.4.141](https://doi.org/10.29252/PAQ.8.4.141)

feizyz63@gmail.com

mohtadi@pgu.ac.ir

shirazi@pgu.ac.ir

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس.

۲- نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس.

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس

ایجاد می‌کند. یافته‌های این پژوهش در قالب شناخت استعاره‌های مفهومی جهان پس از مرگ در قرآن با انتقال از فضاهای ملموس و قابل شناخت به فضاهای ذهنی و نامأنوس دریچه‌های جدیدی از ساختار نظام‌مند و شبکه‌های درهم‌تنیده مفاهیم معرفتی قرآنی را بر روی قرآن پژوهان می‌گشاید.

کلیدواژه‌ها: معنی‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، نام‌نگاشت، قرآن کریم، حیات آخرت.

مقدمه

علوم شناختی^۱ به سرعت در حال گسترش می‌باشند و همواره تحلیلی جدید از فعالیت‌های زبانی و ارتباطشان با تفکر بشری ارائه می‌دهند. در چشم‌انداز جدید این علوم استعاره^۲ به‌عنوان جزء اساسی تفکر بشر و یکی از ابعاد بنیادی آن در نظر گرفته شده است. بر اساس نظریه شناختی معاصر استعاره مقوله‌ای ذهنی است و در اصل جنبه مفهومی دارد. این رویکرد اولین بار توسط لیکاف و جانسن^۳ ارائه شد و به استعاره مفهومی^۴ شهرت یافت که به سه گونه استعاره‌های وجودی^۵ و جهت^۶ و ساختاری^۷ تقسیم می‌شود. در نگاه جدید استعاره سازوکاری ذهنی است و بر این نکته تأکید می‌شود که بسیاری از مفاهیم انتزاعی دارای ماهیتی استعاری هستند و با استعاره مفهومی راه شناخت مفاهیم انتزاعی و ناملموس از طریق مفاهیم ذهنی و عینی و ملموس مادی هموار می‌شود و این یکی از دقیق‌ترین و مهم‌ترین مطالعات در باب استعاره است که می‌توان با بررسی آن متون چندلایه و شبکه‌های درهم‌تنیده زبانی-معنایی قرآن را بهتر فهمید.

شناخت استعاره‌های مفهومی قرآن با توجه به ساختار نظام‌مند و استعاری قرآن مسئله‌ای بسیار مهم و ضروری است چرا که در پرتو وجود این استعاره‌ها فضای آیات و نحوه فهم مخاطب از آن‌ها دگرگون شده و نقشی عمده را در نحوه نگرش مخاطب به جهان هستی و شناخت معرفت توحیدی بازی می‌کند. قرآن با هدف ایجاد تحول در اندیشه بشر با ایجاد فضاهای استعاری مناسب در آینه استعاره‌های مفهومی همواره مخاطب خود را که به دنبال دستیابی به حقیقت و فهم زبان دین است درگیر ارتباط‌های گوناگون میان فضاهای مادی و معنوی می‌کند تا با شناخت و تحلیل مبانی اصول روش صحیح زندگی دنیا را بشناسد بنابراین برای فهم بهتر جهان‌بینی توحیدی و

1. Cognitive Sciences
2. Metaphor
3. Lakoff and Johnson
4. Conceptual Metaphor
5. Ontological Metaphor
6. Orientational
7. Structural

کسب معرفت دینی در زندگی لازم است به واکاوی استعاره‌های مفهومی در قرآن پرداخته تا بتوان به اصول و مبانی صحیح روش زندگی جهت رسیدن به سعادت اخروی دست یافت.

در بسط معنایی حیات اخروی و منازل آن در قرآن نمونه‌هایی از استعاره‌های مفهومی یافت می‌شود که نشان از انسجام متنی قرآن در شبکه‌های درهم‌تنیده مفاهیم هست. در شواهدی حیات آخرت در ساختار خانه زنده‌ای مفهوم‌سازی شده است در مقابل حیات دنیا که عالم ماده و جماد است؛ هم‌چنین در برخی آیات قیامت در قالب موجود زنده مفهوم‌سازی شده است که قیام و برپایی برایش تصور می‌شود. درک صحیح حیات آخرت و منازل آن به‌عنوان یکی از مفاهیم ذهنی و ناملموس در سایه نظریه معنی‌شناسی شناختی و استعاره‌های مفهومی تحولی عظیم در اندیشه بشری ایجاد می‌کند. در حقیقت به دلیل ماهیت تجربه ناپذیر و انتزاعی بودن مفاهیم حیات پس از مرگ ضرورت درک استعاری در این حوزه بیشتر احساس می‌شود و با واکاوی ساختار مفهومی حیات اخروی و میزان و تأثیر آن‌ها در مخاطب فهم تعالیم قرآنی با سهولت بیشتری انجام می‌گیرد.

سوالات تحقیق

- استعاره‌های مفهومی حیات آخرت در قرآن کریم چیست؟
- از چه نام‌نگاشت‌هایی برای حیات آخرت در قرآن کریم استفاده شده است؟
- حوزه‌های مبدا و مقصد در نام‌نگاشت‌های حیات آخرت در قرآن کریم کدامند؟

پیشینه

با توجه به جستجو‌هایی که درباره پیشینه این پژوهش در منابع متعدد صورت‌گرفته در حوزه استعاره مفهومی کتب پایان‌نامه و مقالاتی نوشته شده است که با توجه به رویکرد مقاله حاضر می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی تقسیم نمود:

آثاری که به بیان نظریه استعاره مفهومی پرداخته‌اند:

- پژوهش در باب استعاره مفهومی اولین بار در غرب آغاز شد با کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» انتشارات دانشگاه شیکاگو آمریکا (۱۹۸۰ م) اثر لیکاف و جانسن. بسیاری از فعالان عرصه زبان‌شناسی لیکاف و جانسن را آغازگران مطالعه استعاره مفهومی در زبان‌شناسی شناختی می‌دانند. آن‌ها نخستین بار تحلیل شناختی از استعاره ارائه دادند که نظریه مفهومی در باب استعاره یا استعاره مفهومی نام‌گرفت.
- «دراسات فی الاستعارة المفهومیة» نوشته عبدالله الحراصي انتشارات موسسه نشر و اعلان عمان (۱۴۲۳ ق) عنوان کتابی است که به موضوع استعاره مفهومی می‌پردازد و آن را هم از زاویه و دید بلاغت بررسی می‌کند و هم به‌عنوان یک پدیده ذهنی که به تفکر بشری امکان تعامل با امور مجرد را می‌دهد می‌نگرد.

همچنین پایان‌نامه‌ها و مقالاتی نیز در این باب نوشته شده است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- پایان‌نامه «نقش فرهنگ در ساخت و گزینش استعاره مفهومی در گفتمان فرهنگی فارسی از منظر نظریه گفتمانی استعاره» دانشگاه سمnan. نگارنده این اثر مریم یغمایی (۱۳۹۶ ش) می‌باشد که با مطالعه متون فارسی و با بهره‌گیری از نظریه استعاره مفهومی به منظور بررسی نقش فرهنگ در ساخت و گزینش استعاره‌های مفهومی فرهنگی فارسی به استخراج مفهومی برخی واژه‌ها می‌پردازد.

- مقاله «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسن» مجله ادب پژوهی شماره دوازدهم اثر زهره هاشمی (۱۳۸۹ ش) که به بررسی دیدگاه معاصر استعاره در برابر دیدگاه کلاسیک آن می‌پردازد.

آثاری که به مطالعه استعاره‌های مفهومی در قرآن همت گماشته‌اند:

این موضوع مورد توجه پژوهشگران در زمینه علوم قرآنی قرار گرفته و آثار ارزشمندی در این زمینه نگاشته‌اند که برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- کتاب «استعاره‌های قرآن: پوشش‌های گفتاری در قرآن» انتشارات نگاه معاصر تهران اثر توفیق صباغ ترجمه سید محمد حسین مرعشی (۱۳۹۲ ش). این کتاب پژوهشی است درباره استعاره، مجاز عقلی، کنایه، تشبیه و تمثیل که در آن همه واژه‌های قرآنی که به صورت استعاره به کار رفته‌اند بررسی شده‌اند.

- کتاب «استعاره‌های مفهومی و فضاهای قرآن» سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تهران به قلم علیرضا قائمی نیا (۱۳۹۶ ش). نگارنده این اثر با تحلیل نظریه استعاره مفهومی به کار بست‌های قرآنی نظریه پرداخته و در این زمینه به دستاوردهای جدیدی در این حوزه دست یافته است.

همچنین در این زمینه پایان‌نامه و مقالاتی به رشته تحریر در آمده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- رساله دکتری شیرین پورا بر ابراهیم با عنوان «بررسی زبان شناختی^۱ استعاره در قرآن» دانشگاه تربیت مدرس تهران (۱۳۸۸ ش). این رساله به بررسی زبان شناختی استعاره در نیمه نخست قرآن بر اساس نظریه‌ی معاصر پرداخته است.

- مقاله «استعاره‌های مفهومی در قرآن از منظر زبان‌شناسی شناختی» اثر حسین هوشنگی و محمود سیفی پرگو (۱۳۸۸ ش) پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم شماره سوم که با مروری بر نظریه معاصر استعاره برخی حوزه‌های مفهومی مبدا در قرآن را بررسی کرده‌اند.

- مقاله «استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم» اثر سیده مطهره حسینی (۱۳۹۵ ش) مجله ذهن. نگارنده در این مقاله پس از تبیین برخی مفاهیم و انواع استعاره در رویکرد جدید مفاهیم استعاری مربوط به رحمت الهی را واکاوی می‌نماید.

با جستجو پیرامون استعاره های مفهومی حیات آخرت در قرآن به پژوهشی مستقل در این خصوص دسترسی پیدا نکردیم با توجه به تحقیقات صورت گرفته قصد داریم تا با نگاهی معنی شناختی و با استفاده از نظریه استعاره مفهومی به تبیین استعاره های مفهومی حیات آخرت در قرآن کریم بپردازیم تا دریچه دیگری از شکوهمندی و نظام مندی شبکه های حیات بخش در هم تنیده کتاب آسمانی بر روی جویندگان معارف نورانی قرآن گشوده شود.

۱. چارچوب مفهومی و نظری پژوهش

۱-۱. استعاره در لغت و اصطلاح

با مراجعه به کتب لغت این نتیجه حاصل می شود که ریشه استعاره «ع و ر» و در لغت به معنای به عاریت و قرض گرفتن چیزی از دیگری است (الفیروزآبادی، ۱۴۲۹ ق: ۲۶۱؛ ابن منظور، ۱۳۷۴ ق، ۶۱۹/۲).
اما در اصطلاح «ارسطو؛ استعاره را به اضافه کردن نمک و چاشنی ها در هنگام طبخ تعبیر کرده و آن را صورت خلاصه شده تشبیه دانسته است» (خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۶ ش: ۱۳۸). «ارسطو نخستین کسی است که از استعاره سخن گفته است او استعاره را کاربرد نامی غریب و نامانوس در مورد چیزی که به آن نام شناخته نیست می داند» (قاسم زاده، ۱۳۹۲ ش: ۲).

در اسرار البلاغة استعاره بر اساس وجه شبه بررسی گردیده و چنین آمده است: «استعاره یعنی واژه ای در هنگام وضع لغت، اصلی شناخته شده داشته باشد و شواهدی دلالت کند که به هنگام وضع بدان معنی اطلاق می شده و سپس شاعر یا غیر شاعر این واژه را در غیر معنی اصلی به کار گیرد و این معنی را به آن لفظ منتقل سازد، انتقالی که نخست لازم نبوده و به مثابه عاریت است» (جرجانی، لا تاریخ: ۳۰). پس می توان به این نتیجه رسید که با توجه به اینکه زبان یک صورت اصلی به نام حقیقت دارد و در مقابل دارای صور فرعی به نام مجاز و انواع آن است استعاره به عنوان یک ابزار زبانی یکی از انواع مجاز شمرده شده و ادیبان مجازی را که بر پایه علاقه مشابَهت استوار شده است استعاره نامیده اند. (قائمی نیا، ۱۳۹۷ ش، ۴۶).

۱-۲. تعریف استعاره از دیدگاه معاصر

«استعاره، از واژه یونانی «Metaphora» گرفته شده است و خود مشترک از «Meta» به معنای «فرا» و «Pherein» به معنای «بردن» می باشد. مقصود از این واژه دسته خاصی از فرآیندهای زبانی است که در آن ها جنبه هایی از یک شیء به شیء دیگر «فرابرده» یا منتقل می شوند، به نحوی که از شیء دوم به گونه ای سخن می رود که گویی شیء اول است» (هاوکس، ۱۳۹۷ ش: ۱۱).

برای اولین بار لیکاف و جانسن در کتابی به نام «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی میکنیم» دیدگاه معاصر استعاره را از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی بیان کردند. از نظر آنان، استعاره نه تنها موجب وضوح و گیرایی بیشتر اندیشه‌های بشر است بلکه عملاً ساختار ادراک و دریافت‌های ما را نیز تشکیل می‌دهد. لیکاف و جانسن با دلایل و شواهد زیر نگاه سنتی به استعاره را به چالش کشیدند:

۱. استعاره ویژگی مفاهیم است، نه واژه‌ها.
۲. استعاره برای درک بهتر مفاهیم به کار گرفته می‌شود، نه برای خلق زیبایی.
۳. استعاره اساساً مبتنی بر شباهت نیست.
۴. استعاره بدون هیچ تلاشی توسط عوام در زندگی روزمره استفاده می‌شود.
۵. استعاره نه تنها اضافی و تزیینی نیست بلکه فرایند اجتناب ناپذیر تفکر و استدلال و بشری است (Kövecses, 2010: X).

۱-۳. استعاره مفهومی و انواع آن

در مطالعات زبان‌شناسی شناختی معاصر ماهیت جدیدی برای استعاره تعریف شده است و این مطالعات استعاره را اساساً مترادف با استعاره مفهومی می‌دانند. «از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، استعاره عبارت است از درک یک حوزه مفهومی در قالب حوزه مفهومی دیگر. یک راه ساده و کوتاه در توصیف و ارائه چنین دیدگاهی به استعاره می‌تواند چنین باشد: حوزه مفهومی الف همان حوزه مفهومی ب است^۱، که به آن استعاره مفهومی گفته می‌شود. در واقع یک استعاره مفهومی از دو حوزه مفهومی تشکیل می‌شود که در آن یک حوزه در چارچوب حوزه دیگر درک می‌شود» (Ibid: 4).

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد رویکرد جدید به استعاره اولین بار توسط جرج لیکاف و جانسن در سال (۱۹۸۰م) در کتابی به نام استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم مطرح شد و پس از آن توسط زبان‌شناسان شناختی دنبال و نظر گاه آنان به عنوان «دیدگاه زبان‌شناسی شناختی استعاره^۲» معروف شد.

۱-۴. اقسام استعاره‌های مفهومی

لیکاف و جانسن در کتاب استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم (۱۹۸۰م) جالب‌ترین انواع استعاره‌های مفهومی را به سه دسته استعاره‌های ساختاری و جهتی و وجودی تقسیم می‌کنند. در این‌جا به‌طور خلاصه به تعریف این استعاره‌ها همراه با ذکر مثال می‌پردازیم.

1. Conceptual Domain A Is Conceptual Domain B
2. A Cognitive Theory of Metaphor

۱-۴-۱. استعاره‌های ساختاری

«در استعاره‌های ساختاری مفهوم به شکلی استعاری در چارچوب مفهوم دیگری سازمان می‌یابد» (Lakoff & Johnson, 2003: 15). مثلاً در عبارت استعاری «زمان طلا است» مفهوم زمان را در قالب مفهوم پول می‌فهمیم.

۱-۴-۲. استعاره‌های جهتی

در این نوع استعاره یک مفهوم استعاری بر اساس مفهوم دیگر ساختار نمی‌یابد بلکه نظام کاملی از مفاهیم با توجه به یک نظام کامل دیگر سازمان‌دهی می‌شود. این نوع استعاره‌ها استعاره‌های جهتی نامیده می‌شوند؛ زیرا بسیاری از آنها با جهت‌های مکانی بالا- پایین، درون- بیرون، دور- نزدیک و غیره سر و کار دارند (Ibid: 29). مثلاً در عبارت استعاری «او روحیه بالایی دارد» مفهوم روحیه با جهت بالا مشخص می‌شود.

۱-۴-۳. استعاره‌های وجودی یا هستی‌شناختی

تجربه ما از اجسام فیزیکی و اشیاء بنیان دیگری را برای ادراک فراهم می‌سازد و پایه‌های بیشتری را برای درک آنچه ویرای جهات است فراهم می‌کند. بنیانی که تنها بر اساس جهات نبوده و فراتر از آنهاست. امکان شناخت تجربه‌ها به واسطه اجسام و مواد^۱ به ما اجازه می‌دهد که بخش‌هایی از تجربه‌های خود را برگزیده و آنها را وجودها^۲ یا موادی مجزا و مستقل از یک کل واحد به شمار آوریم که در این صورت می‌توانیم به آنها اشاره کنیم آن‌ها را طبقه‌بندی و درجه‌بندی کرده و بسنجیم و از این طریق درباره آن‌ها استدلال کنیم. (Ibid: 25) همان‌گونه که تجربه‌های اولیه انسان از جهات مکانی منجر به پیدایش استعاره‌های جهتی می‌شوند تجربه‌های اجسام فیزیکی بنیانی را برای گستره بسیار متنوعی از استعاره‌های هستی‌شناختی فراهم می‌سازند؛ استعاره‌هایی که شیوه‌هایی از دیدن مفاهیم نامحسوس مانند احساسات و فعالیت‌ها و عقاید و رویدادها را به مثابه یک هستی یا جوهر ارائه می‌دهند (Ibid: 25).

به عنوان نمونه اگر تورم را یک موجود به شمار آوریم با تجربه افزایش قیمت‌ها به شکل استعاری می‌توانیم به تجربیات خود اشاره کرده و مثلاً بگوییم: «باید با تورم مقابله کنیم». در واقع چون تورم را به عنوان یک موجود در نظر گرفته‌ایم می‌توانیم به آن اشاره کنیم و موضع خود را نسبت به آن مشخص سازیم.

۱-۵. حوزه مبدأ^۳ و حوزه مقصد^۴

یک استعاره مفهومی از دو حوزه مفهومی تشکیل می‌شود که در آن یک حوزه در چارچوب حوزه دیگر فهمیده می‌شود و هر حوزه مفهومی، مجموعه منسجمی از تجربیات است. در استعاره‌های مفهومی برای این دو حوزه

1. Substances
2. Entities
- 3 Domain of Origin
- 4 Domain of Destination

نام‌های خاصی در نظر گرفته شده است. حوزه‌ای که از آن عبارات استعاری را خارج می‌کنیم تا حوزه مفهومی دیگری را درک کنیم حوزه مبدا و آن حوزه مفهومی را که بدین روش درک می‌شود حوزه مقصد می‌نامیم (Kövecses, 2010: 4). «حوزه‌های مبدا نوعاً عینی‌تر و مادی‌ترند و صورت‌بندی‌شان شفاف‌تر است. درمقابل، حوزه‌های مقصد نسبتاً انتزاعی‌ترند و توصیف‌شان دشوارتر» (Ibid: 34).

در استعاره یک قلمرو مفهومی را بر اساس قلمرو دیگر بیان می‌کنیم؛ به عبارت دیگر، میان دو قلمرو مفهومی متفاوت ارتباط برقرار می‌کنیم، برای مثال هنگامی که گفته می‌شود «سر ساعت دو منتظرت هستم» واژه «سر» به قلمرو موجود زنده «حوزه مبدا» تعلق دارد که به حوزه وقت «حوزه مقصد» توسعه داده شده. حوزه مبدا قلمرو معنای تحت‌اللفظی و حوزه مقصد قلمرو معنای استعاری یا مفهوم‌سازی استعاری است (قائم‌نیا، ۱۳۹۷ ش: ۴۹-۴۸).

۱-۶. نگاهت^۱

در معنی‌شناسی شناختی با تکیه بر قوای شناخت در انسان، چگونگی درک استعاره را در قالب پدیده‌ای به نام «نگاشت» تبیین می‌کنند.

کوچش در تعریف نگاهت می‌گوید «مجموعه‌ای از تناظرهای^۲ نظام‌مند میان مبدا و مقصد وجود دارند که عناصر مفهومی سازه‌ای^۳ حوزه ب را بر عناصر سازه‌ای حوزه الف منطبق می‌کنند. به این تناظرهای مفهومی، در بیان فنی، نگاهت «انطباق» گفته می‌شود» (Kövecses, 2010: 7).

استعاره از شباهت هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی میان دو حوزه مبدا و مقصد پیدا می‌شود؛ شباهت هستی‌شناختی میان عناصر دو قلمرو و شباهت معرفت‌شناختی میان روابط عناصر یک قلمرو با قلمرو دیگر وجود دارد. لیکاف و جانسن از اصطلاح «نگاشت» برای نشان دادن این شباهت‌ها استفاده کرده و می‌گویند میان فضاها نگاهت‌هایی برقرار است. آن‌ها این اصطلاح را از نظریه مجموعه‌ها در ریاضیات گرفته‌اند تا ارتباط مفاهیم را نشان دهند (قائم‌نیا، ۱۳۹۷ ش: ۵۱).

۱-۶-۱. نام نگاهت^۴

اصطلاح دیگری که در کنار مفهوم نگاهت باید به تعریف آن بپردازیم «نام نگاهت» می‌باشد. لیکاف و جانسن برای نام‌گذاری نگاهت‌ها راهبردی در پیش گرفتند و از یادافزاری استفاده کردند که آن نگاهت را به خاطر

1. Mapping
2. Correspondences
3. Constituent Conceptual Elements
4. Name Of The Mapping

می‌آورد و چنین می‌گویند: نام‌های یاد افزاری نوعاً و البته نه همیشه دارای شکل حوزه مقصد حوزه مبدا است یا حوزه مقصد به مثابه حوزه مبدا است می‌باشند که به آن «نام نگاشت» می‌گویند. به بیان دیگر می‌توان گفت: عبارتی که بیانگر استعاره‌ای مفهومی است را نام‌نگاشت می‌گویند (Lakoff, 1993: 190).

مثلاً وقتی از استعاره «عشق یک سفر است» سخن می‌گوییم، نام نگاشت می‌شود «عشق یک سفر است». آنچه که باید دقت کنیم این است که نام‌نگاشت را با خود نگاشت خلط نکنیم. نگاشت مجموعه‌ای از تناظرهاست بنابراین هرگاه با استفاده از یادافزاری چون «عشق یک سفر است» به استعاره‌ای رجوع می‌کنیم در واقع مجموعه‌ای از تناظرها را مد نظر داریم. نام‌نگاشت‌ها معمولاً شکل گزاره‌ای دارند ولی خود نگاشت‌ها از نوع گزاره نیستند ولی بی‌تردید استعاره‌ها هر چیزی ممکن است باشند مگر گزاره؛ در واقع استعاره‌ها نگاشت‌اند، یعنی مجموعه‌ای از تناظرهای مفهومی‌اند. مثلاً در نام‌نگاشت «عشق یک سفر است»، مجموعه‌ای از تناظرهای هستی‌شناختی که مشخصه یک نگاشت است به شکل زیر حاصل می‌شود:

نگاشت عشق به مثابه سفر

- عاشقان متناظرند با مسافران
- رابطه عاشقانه متناظر است با وسیله نقلیه.
- هدف‌های مشترک عاشقان متناظر است با مقصدهای مشترک آن‌ها در سفر.
- مشکلات موجود در رابطه متناظر با موانعیست که بر سر راه سفر وجود دارد (Ibid: 190-191).

۷-۱. حیات آخرت^۱

آخرت مؤنث آخر در برابر اول است و همان‌گونه که از این جهان به «أُولَى» تعبیر شده از جهان پس از دنیا نیز به «آخِر» و «آخِرَة» تعبیر شده‌است. با مراجعه به معجم‌المفهرس درمی‌یابیم که واژه «آخِرَة» ۱۱۳ بار به همین معنی در قرآن به کار رفته است.

فیروزآبادی (۱۴۲۹ق) «آخِرَة» و «أُخْرَى» را ضد‌مقدم، دار بقا و خلاف اول معنی کرده است (۱۲۵/۲). «آخر در برابر اول و همچنین در مقابل واحد به کار می‌رود. قیامت و جهان پس از مرگ، به «الدار الآخِرَة» یعنی خانه آخرت که حیات ثانوی است تعبیر شده همان‌طور که حیات دنیوی و این جهان را به «الدار الدنیا»، تعبیر کرده‌اند» (الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۶ ق: ۵۰).

هم‌چنین مطهری (۱۳۷۱ ش) در تعبیر دیگری می‌گوید: «دنیا «روز اول» است، روز اول «روز آخر» به دنبال خود دارد؛ دنیا «رفتن» است و آخرت «رسیدن» (۵۳). در مجمع البحرین «آخر» و «آخره» به معنای خلاف دنیا و خلاف اول آمده است (الطریحی، ۱۴۲۸ق: ۱۲۵/۲).

۲- استعاره‌های مفهومی حیات آخرت در قرآن کریم

همان‌گونه که گفتیم استعاره‌های مفهومی به سه گونه استعاره‌های ساختاری، استعاره‌های وجودی و استعاره‌های جهتی تقسیم می‌شوند. در این بخش با توجه به انواع استعاره‌های مفهومی، برخی نام‌نگاشت‌های حیات آخرت در قرآن کریم را مشخص نموده و سپس با استفاده از نگاشت تناظرهای نظام‌مند میان حوزه مبدأ و مقصد نشان داده می‌شود.

نام‌نگاشت‌های حیات آخرت در قرآن کریم

۱-۲. آخرت مزرعه است

یکی دیگر از نام‌نگاشت‌هایی که درباره حیات آخرت در قرآن به کار رفته است نام‌نگاشت «آخرت مزرعه است» می‌باشد. در این استعاره ساختاری آخرت در ساختار مزرعه که مکانی برای کشت و برداشت محصول است مفهوم‌سازی شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید (مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ) (شوری: ۲۰)

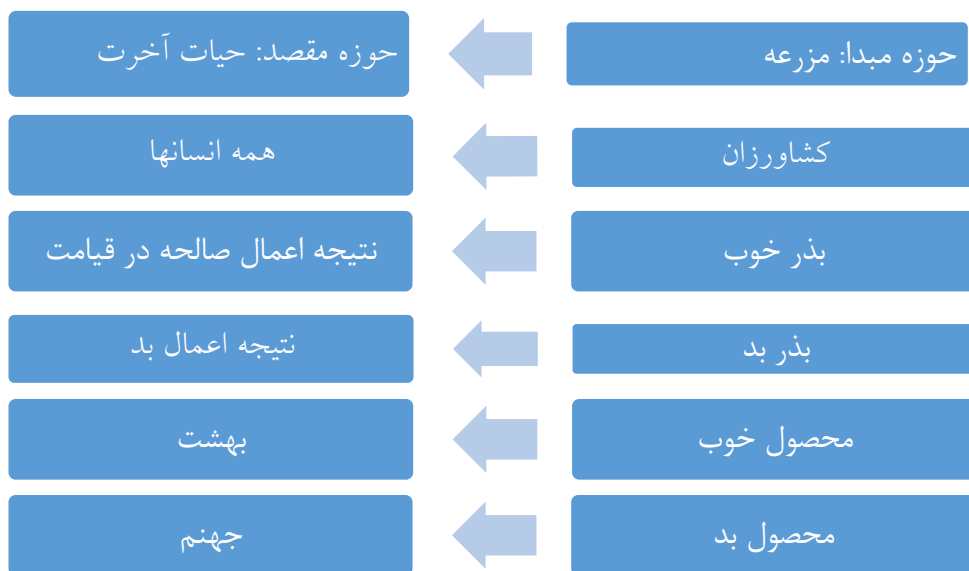
قرآن در این آیه در تعبیری بسیار لطیف برای ملموس‌تر و عینی‌تر کردن مفهوم انتزاعی جهان اخروی مردم را به کشاورزان ای تشبیه می‌کند که گروهی برای آخرت می‌کنند و گروهی برای دنیا. در این مفهوم‌سازی بسیار زیبا انسان‌ها همگی زارعند و دنیا و آخرت در قالب مزرعه مفهوم‌سازی شده‌اند. در تفسیر جوامع الجامع آمده است: عمل انسان در دنیا برای دستیابی به بهره از باب مجاز حرث و زراعت نامیده شده و هر کس برای آخرت کار کند در کارش موفق و حسناش چند برابر شده و هر کس برای دنیا کار کند بهره کمی دارد و در آخرت هیچ نصیبی ندارد اما کسی که برای آخرت کار می‌کند در عین حال بهره از دنیا هم دارد ولی این معنی ذکر نشده تا بی‌ارزش بودن بهره دنیوی در مقابل رستگاری و سعادت اخروی نشان داده شود (الطبرسی، ۱۴۱۲ق: ۴۶/۴).

«کلمه حرث به معنای زراعت است و مراد از زراعت آخرت، نتیجه اعمال است که روز قیامت به آدمی عاید می‌شود و به‌عنوان استعاره آن را زراعت آخرت نامیده، مثل اینکه اعمال صالحه بذری است که می‌کارند تا در پاییز آخرت آن را درو کنند و مراد از اینکه می‌فرماید: «هرکس زراعت آخرت را بخواهد زراعتش را زیاد می‌کنیم» این است که ما ثواب او را چند برابر می‌سازیم» (الطباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۴۰/۱۸).

بنابراین از این نام‌نگاشت که به زیبایی و لطافت درباره حیات آخرت به‌کار رفته این‌گونه فهمیده می‌شود که گروهی از مواهب و روزی‌هایی که از طرف پروردگار به آن‌ها رسیده به‌صورت بذرهایی برای آخرت استفاده می‌کنند و گروهی برای تمتع دنیا. کشتکاران آخرت به برکات و حسنات بیشتر می‌رسند و بر محصولشان افزوده می‌شود اما کشتکاران دنیا فقط بهره دنیایی نصیبشان می‌شود و از آخرت بی‌بهره می‌مانند. با توجه به اینکه حوزه مبدأ در این استعاره مفهوم ملموس و عینی مزرعه است می‌توان تناظرهای مفهومی زیر را برایش در نظر گرفت:

«نمودار نگاشت حوزه مبدأ بر حوزه مقصد»

حوزه مقصد: آخرت



۲-۲. آخرت بهتر است

از تعبیر دیگری که خداوند در قرآن کریم برای مفهوم‌سازی حیات آخرت به‌کار برده است تعبیر به «خیر» می‌باشد. «خیر چیزی است که همه کس به آن راغب می‌شوند مثل عقل، عدل، فضل و هر چیز سودمند دیگر». (الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۶ ق: ۲۸۲). خیر به معنای بهتر و سودمندتر مفهومی ملموس و عینی است که برای درک مفهوم انتزاعی جهان آخرت به‌کار رفته است. نام نگاشت «آخرت بهتر است» انسجامی استعاری را در زبان قرآن پدید آورده است. در این استعاره دو مفهوم «آخرت» و «بهتر» به‌کار رفته است.

آخرت مفهومی ذهنی و ناشناخته است و بهتر مفهومی به مراتب عینی‌تر و شناخته‌شده‌تر از آن است. می‌توان این نام نگاشت را نمونه‌ای از استعاره‌های مفهومی جهت‌مند در نظر گرفت. و این‌گونه تبیین کرد «آینده بهتر خواهد بود» با آینده بالاست و خوب بالاست هماهنگ است» (Lakoff & Johnson, 2003: 23).

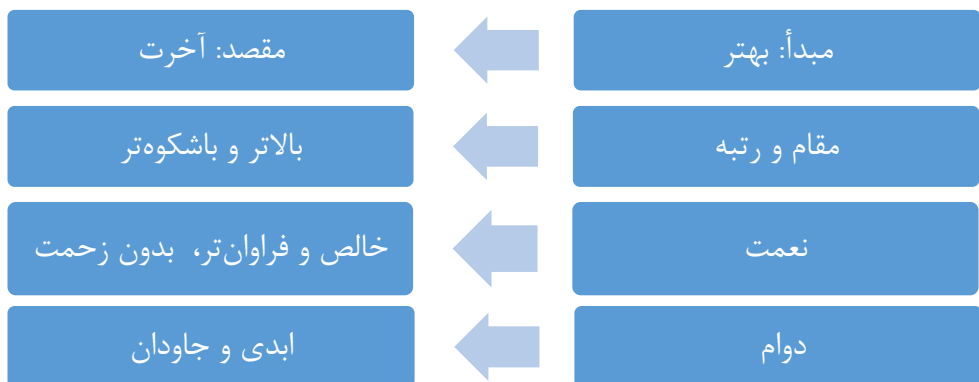
از آن‌جا که در فرهنگ دینی و زبان قرآن جهان آخرت به‌عنوان جهان واپسین و بعد از دنیا یعنی آینده در نظر گرفته‌شده و همچنین بهتر بودن به معنی خوب‌تر بودن مرتبه‌ای بالاتر از خوب است می‌توان نام نگاشت «آخرت بهتر است» را با نام نگاشت «آخرت بالاتر است» هماهنگ دانست هم‌چنین جهان آخرت به‌عنوان «جایگاه هم‌چنان بالاست، اگرچه مقصود از جایگاه، جایگاه دنیوی نیست، بلکه مقصود جایگاهی در دنیایی والاتر، یعنی عالم قدس است. علاوه بر این در ارتباط با پرورش معنوی «بالا» و در نهایت رستگاری «حقیقتاً بالا» آینده بهتر خواهد بود» (Ibid: 25).

در تایید این مطلب که خیر و بهتر بودن با مفهوم بالاتر بودن سازگار است در جوامع الجامع در تبیین مفهوم‌سازی خیر در آیه (وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى) (ضحی: ۴) آمده است: «خداوند سبحان به حضرت محمد صلی‌الله و علیه و آله و سلم خبر می‌دهد که حال وی در آخرت بالاتر و باشکوه‌تر است، یعنی بر همه پیامبران و رسولان مقدم و از همه برتر و بزرگ‌تر است و مرتبه آن حضرت را بالا برده و مقام شفاعت و حوض و انواع کرامت‌ها را به او عطا می‌کند» (الطبرسی، ۱۴۱۲ ق: ۴/۵۰۴).

بنابراین قرآن با استفاده از مکانیسم استعاره مفهومی و با استفاده از ساختار استعاری بنیادی‌ترین مفاهیم ارزشی و دینی از معانی حسی برای بهتر نشان دادن معانی مجرد بهره می‌گیرد. استعاره «آخرت بهتر است» را می‌توانیم با مجموعه‌ای از تناظرها یا انطباق‌ها بین عناصر سازه‌ای حوزه مبدأ و حوزه مقصد این‌گونه نشان دهیم:

«نمودار نگاشت حوزه مبدأ بر حوزه مقصد»

آخرت بهتر است



مؤید این الگوبرداری‌ها کانون‌های استعاری آیات زیر در قرآن می‌باشد:

(الف) (... وَ لَلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ) (انعام: ۳۲) «زیرا حیاتی است جاویدان و فناپذیر در جهانی وسیع‌تر و سطح بسیار بالاتر، در عالمی که سروکار آن با حقیقت است نه مجاز، و با واقعیت است نه خیال، در جهانی که نعمت‌هایش با درد و رنج آمیخته نیست و سراسر نعمت خالص است» (مکارم، ۱۳۷۱ ش: ۵/۲۰۷). و طباطبایی علت خیر بودن آخرت را این‌گونه بیان می‌کند: «چون دار آخرت حیاتی ثابت و حقیقی است» (۱۳۹۰ق: ۵۷/۷).

(ب) (... وَ لَلْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى) (أَعْلَى: ۱۷). زمخشری می‌گوید: «بافضیلت‌تر، پرنعمت‌تر و بادوام‌تر است» (۱۴۰۷ق: ۷۴۱/۴).

(ج) (... وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ) (یوسف: ۱۰۹). آخرت و نعمت‌های آن برای ایشان بهتر از این دنیا است و در حدیث آمده که یک وجب از بهشت از دنیا و ما فیها بهتر است (الطبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۵/۴۱۲). در تمام این نمونه‌ها نام‌نگاشت «آخرت بهتر است» جهت حسی‌تر و عینی‌تر نشان دادن مفهوم مجرد آخرت به‌عنوان حوزه مقصد به‌کاررفته است. و همان‌گونه که گفتیم از آن‌جا که بهتر بودن با بالاتر بودن هماهنگ است علو و برتری حیات آخرت با استفاده از این مفهوم‌سازی آشکار می‌شود و انس مخاطب قرآن با مفهوم انتزاعی سرای اخروی بیشتر می‌شود و از مواهب دنیوی با اطاعت‌پذیری از رب در جهت رسیدن به حیات برتر استفاده می‌کند.

۳-۲. آخرت خانه همیشگی است

در تعبیر قرآنی زندگی دنیوی در قالب سفری مفهوم‌سازی شده است که دنیا گذرگاه و معبر آن است و این سفر از نقطه‌ای آغاز شده و پس از گذراندن تحول و دگرگونی‌ها در مقصد آرام می‌گیرد. زیستن در دنیا هدف غایی و سرانجام این سفر نمی‌باشد و قرآن کریم سرای آخرت را نقطه پایان حرکت و سرای جاوید و پایدار معرفی کرده است. «دنیا قرارگاه نیست، بلکه گذرگاه است و هر گذرگاهی به قرارگاهی پایان می‌پذیرد، دنیا پویا و متحول است و سرانجام ثبات و آرامش می‌طلبد و به تعبیر دیگر دنیا یک کشتی متحرک است که باید درجایی لنگر اندازد. از دیدگاه قرآن لنگرگاه این کشتی پرجوش و خروش قیامت است» (جوادی آملی، ۱۳۸۲ ش: ۸۸).

با بررسی داده‌های قرآنی درمی‌یابیم که قرآن کریم با تصویرسازی استعاری و انسجام میان آیات در مفهوم‌سازی حیات آخرت ساختار بسیار ملموس و عینی «خانه» را برای زندگی اخروی برمی‌گزیند. در این استعاره ساختاری «آخرت خانه است» خانه به‌عنوان حوزه مبدأ مفهومی کاملاً عینی است که از چارچوب مشخصی تشکیل شده است و از نوع شالوده، طریقه ساخت آن و مصالح به‌کاررفته در آن، مفهوم امنیت و ناامنی‌اش به‌خوبی فهمیده می‌شود. قرآن کریم در آیاتی به ماندگاری و همیشگی بودن خانه آخرت پرداخته و می‌فرماید:

- (الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ...); یعنی: خدایی که ما را به فضل خویش در این سرای ماندنی درآورد (فاطر: ۳۵).
- (...وَلِإِنَّ الْأَخْرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ); یعنی: و آخرت است که سرای ماندگاری است (غافر: ۳۹).
- (...لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ...); یعنی: در آن منزل همیشگی دارند (فصلت: ۲۸).

اما این خانه ماندگار و جاویدان برای کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند و در دنیا خشنودی و رضای پروردگار را در انجام اعمالشان مد نظر داشته‌اند خانه امنیت و سلامت است و در مقابل برای کسانی که کفر پیشه کرده‌اند شالوده‌اش بر لبه پرتگاهی فرو ریختنی است که با آن در آتش دوزخ سرنگون می‌شوند. (أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارُ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ...) (توبه: ۱۰۹).

با توجه به این الگوبرداری قرآن از مفهوم خانه در تبیین شالوده خانه آخرت و مراجعه به سایر آیات فهمیده می‌شود که خداوند آخرت را خانه سلامت متقین و خانه هلاکت کفار می‌نامد که در ادامه به بررسی نام‌نگاشت‌های این استعاره‌های ساختاری و تناظرهای مفهومی منطبق با هرکدام پرداخته می‌شود.

۲-۳-۱. آخرت (بهشت) خانه سلامت است

الگوبرداری «آخرت خانه سلامت و خیر است» را می‌توان در کانون‌های استعاری آیات زیر دریافت:

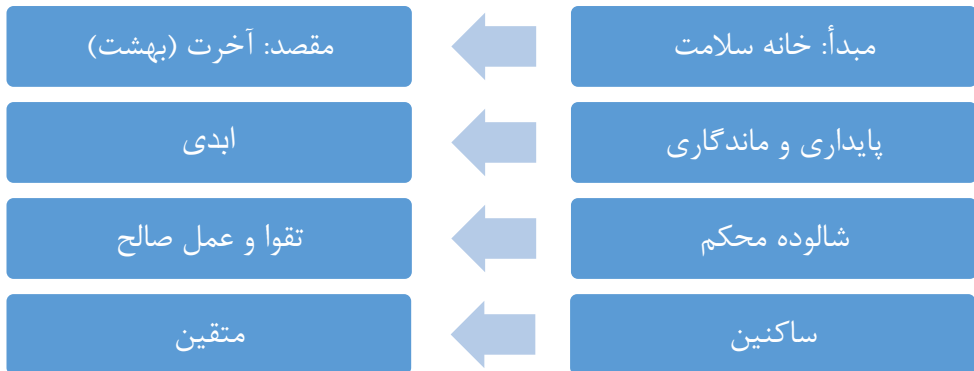
- (...وَلَذَٰلِكَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ) (نحل: ۳۰) «مردم با تقوا به خاطر احسانی که می‌کنند، به دستورات قرآن عمل می‌نمایند، مجتمع صالحی تشکیل می‌دهند، که حاکم در آن عدل و احسان و زندگی طیب است، زندگی که بر اساس رشد و سعادت استوار است، در نتیجه خودشان هم از دنیای خوشی برخوردار می‌شوند و معلوم است که زندگی آخرت برای چنین مردمی از دنیایشان بهتر است، چون خوشی آن زوال‌ناپذیر است و نعمتش آمیخته به نعمت نیست» (الطباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۲/۲۳۵).
- (لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ...) (انعام، ۱۲۷). منظور از دارالسلام بهشت است که خانه سلامت است و یعنی از هرگونه آفت و بلایی تهی است و این خانه در پیشگاه خداوند برای متقین ضمانت شده است. یعنی در آخرت برای ایشان خانه سلامت است که خدا به آن‌ها می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴/۵۶۳؛ همان، ۱۴۱۲ق: ۱/۴۰۹).
- (وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ...) (یونس: ۲۵). «سلامتی دنیا گذراست ولی سلامتی آخرت پایدار است» (قرآنی، ۱۳۸۸ش: ۳/۵۵۹).

بنابراین با توجه به الگوبرداری‌ها و کانون‌های استعاری این آیات به‌خوبی فهمیده می‌شود که زندگی آخرت به‌صورت خانه سلامت و متقین و مؤمنین به‌عنوان کسانی که ساکن این خانه‌ها هستند تصویرسازی شده‌اند. خانه سلامت خانه‌ای بدون آفت و بلاست که پایدار و ماندگار بوده و قرآن با ظرافت و انسجام استعاری‌اش آن را جهت

مفهوم‌سازی ابدی بودن حیات اخروی و بی‌نقمت بودنش برای پرهیزکاران به‌کاربرده است. با توجه به خانه سلامت که حوزه مبدأ و آخرت که حوزه مقصد است می‌توان نگاهت‌های زیر را برای این استعاره در نظر گرفت:

«نمودار نگاهت حوزه مبدأ بر حوزه مقصد»

آخرت (بهشت) خانه سلامت است



۲-۳-۲. آخرت (جهنم) خانه هلاکت است

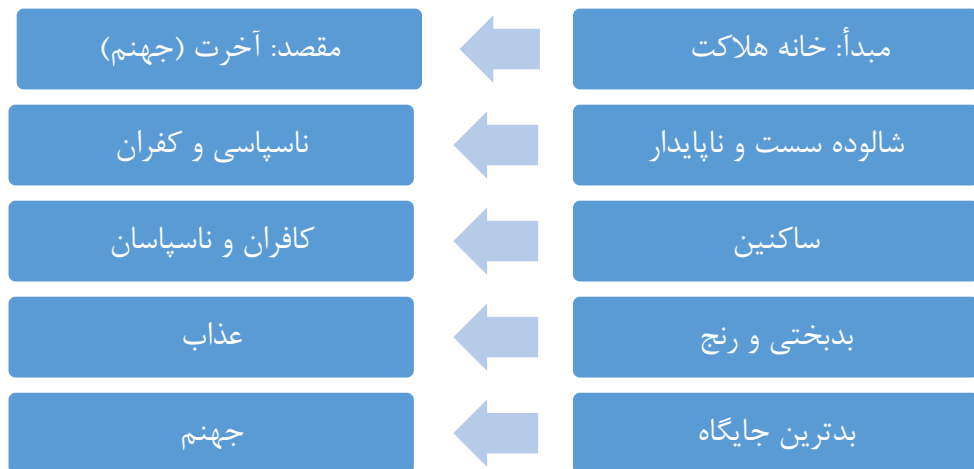
قرآن کریم متناسب با نظام استعاری و دو شقی خود و جهت رسیدن بندگان به پاداش و عذاب کامل و حقیقی اخروی آخرت را در دو مفهوم خانه سلامت مؤمنین و خانه هلاکت کفار مفهوم‌سازی نموده است.

همان‌گونه که اشاره شد شالوده خانه سلامت مستحکم و پایدار و شالوده خانه هلاکت سست و فروریختنی است. (الْم تَرِ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ) (ابراهیم: ۲۸).

«بوار» به معنای کسادی مفرط است و کساد مفرط سرانجام به فساد منتهی می‌شود از این‌رو «بوار» بی‌رونی و کساد شدیدی است که به هلاکت کشیده می‌شود. بنابراین هلاکت را هم «بوار» خوانده و گفته‌اند فلان چیز «باریور بورا» یعنی هلاک شد (الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۶: ۱۳۴). و «مراد از طول‌دادن در دارالبوار جای‌دادن آنان در آتش شقاوت و بدبختی است» (الطباطبائی، ۱۳۹۰ق: ۱۲/۵۶). در این مفهوم‌سازی نظام‌مند که خانه جاوید کافران در ساختار خانه هلاکت و تباهی ساختار می‌یابد عدم کامیابی کفار در سرای باقی به‌خوبی فهمیده می‌شود و این خانه هلاکت جهنم است که چه بد خانه‌ای است (جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ) (ابراهیم: ۲۹). در واقع ساختار خانه هلاکت تعبیر بسیار ملموسی است که در زبان استعاری قرآن مفهوم مجرد و انتزاعی جهنم در سرای اخروی را بسیار عینی جلوه می‌دهد و زنگ خطری است برای بندگان تا با کسب ایمان و عمل صالح در دنیا راه خود را برای رسیدن به خانه سلامت که بهشت است هموار نمایند. در ادامه تناظرهای مفهومی زیر را می‌توان جهت این نام نگاهت در نظر گرفت:

«نمودار نگاشت حوزه مبدا بر حوزه مقصد»

آخرت (جهنم) خانه هلاکت است



نتیجه

- متون مذهبی به دلیل ماهیت انتزاعی و تجربه‌ناپذیری که دارند از جمله حوزه‌هایی هستند که ضرورت درک استعاری در آن‌ها بیشتر احساس می‌شود. مثلاً مفاهیم مجرد و ماورائی، عالم پس از مرگ، قیامت، بهشت و جهنم و... از جمله مفاهیمی هستند که تصور و درک آن‌ها مستلزم برقراری ارتباط استعاری میان این مفاهیم و مفاهیم ملموس و عینی است. نظریه استعاره مفهومی با برقراری ارتباط و انسجام میان حوزه مبدأ که مفهومی عینی‌تر و ملموس است و حوزه مقصد که مفهومی انتزاعی و مجرد دارد؛ راه را برای درک مفاهیم ماورائی و متافیزیکی متون مذهبی هموار می‌کند.

- قرآن کریم به‌عنوان یکی از متون مقدس سرشار از استعاره‌هایی است که هرکدام کلیدی برای کشف انتزاعات دینی و کشف جهان‌بینی اسلامی هستند. در زبان قرآن حیات اخروی که امری مجرد و ماورائی است به اشکال مختلف برای انسان مفهوم‌سازی شده است تا عینی، محسوس و قابل‌درک شود. تصویرسازی قرآن از حیات آخرت در کانون استعاری آیات مربوطه منجر به تولید نام‌نگاشت‌های استعاری می‌شود که مفهوم ذهنی جهان اخروی را در حوزه مبدأ ساختارمند می‌کند.

- از دیگر نام‌نگاشت‌های به‌کاررفته درباره حیات اخروی در قرآن نام‌نگاشت «آخرت مزرعه است» می‌باشد در این استعاره ساختاری آخرت در ساختار مزرعه که مکانی برای کشت و برداشت محصول است مفهوم‌سازی شده و مردم دنیا کشاورزانی هستند که گروهی برای آخرت کشت می‌کنند و گروهی برای دنیا. زارعان آخرت به برکات و حسنات بیشتر می‌رسند ولی زارعان دنیا فقط به بهره‌دنیوی رسیده و از آخرت بی‌بهره می‌مانند.

- در گونه دیگری از مفهوم‌سازی‌های قرآنی، نام‌نگاشت «آخرت بهتر است» به‌کاررفته است. در این استعاره جهتی مفهوم حیات آخرت در سطحی بالاتر، والاتر و عالی‌تر از دنیای فانی تبیین می‌شود و فناپذیری و پستی دنیا به‌خوبی فهمیده شده و جاودانی و عظمت و برتر بودن جهان پس از مرگ تصویرسازی می‌شود.

- خداوند در برخی آیات ساختار بسیار ملموس و عینی «خانه» را برای زندگی اخروی برمی‌گزیند و مفهوم آخرت را در ساختار خانه‌ای جاوید به تصویر می‌کشد. خانه به‌عنوان مفهومی محسوس و آشنا تصویری قابل‌فهم و درک در ذهن مخاطب قرآنی می‌آفریند و ویژگی‌های خانه، شالوده و مصالح به‌کاررفته در آن امن و ناامن بودن خانه ابدی را مشخص می‌کند. با توجه به این الگوبرداری قرآن از مفهوم خانه در تبیین حیات آخرت و با مراجعه به سایر آیات فهمیده می‌شود که خداوند آخرت را خانه سلامت متقین و خانه هلاکت کفار می‌نامد. خانه سلامت از هرگونه آفت و بلایی تهی است ولی خانه هلاکت بی‌رونق و دچار کساد شدیدی است که به فساد و ناامنی منتهی می‌شود.

- فهم استعاره‌های مفهومی قرآن باعث فهم بهتر آیات قرآن می‌شود. با تصویرکشیدن و مجسم نمودن مفاهیم در نام‌نگاشت‌های استعاری و برقراری ارتباط میان حوزه‌های مبدأ و مقصد و درک تناظرهای مفهومی، جهانی از اندیشه به روی انسان گشوده می‌شود و با فهم دقیق جهان‌بینی اسلامی و بالطبع سبک زندگی موردنظر قرآن قرار گرفتن در مسیر کمال که همان صراط مستقیم الهی است آسان می‌شود.

منابع

- قرآن کریم.

۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲ ش)، *تفسیر موضوعی قرآن (معاد در قرآن)*، قم: اسراء.
 ۲. قائمی نیا، علیرضا، (۱۳۹۷ ش)، *استعاره‌های مفهومی و فضا‌های قرآن*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
 ۳. قاسم‌زاده، حبیب‌الله، (۱۳۹۲ ش)، *استعاره و شناخت*، تهران: انتشارات ارجمند، چاپ اول.
 ۴. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸ ش)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول.
 ۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱ ش)، *زندگی جاوید یا حیات اخروی*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ پنجم.
 ۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم.
 ۷. هاوکس، ترنس (۱۳۹۷ ش)، *استعاره*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: بخش تولید نشر مرکز، چاپ هفتم.
 ۸. ابن منظور، محمد بن مکرّم، (۱۳۷۴ ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
 ۹. جرجانی، عبد القاهر، *دون تاریخ، أسرار البلاغة*، القاهرة: دارالمدنی.
 ۱۰. خاقانی اصفهانی، محمد، (۱۳۹۶ ش)، *البلاغة الجديدة*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت)، چاپ اول.
 ۱۱. الراغب الأصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، الأصفهان: مرکز القانمیه بأصفهان للتحریات الكمبيوتریه.
 ۱۲. الزمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت: دارالکتب العربی.
 ۱۳. الطباطبائی، محمدحسین، (۱۳۹۰ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: موسسه الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية.
 ۱۴. الطبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲ ق)، *جوامع الجامع*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
 ۱۵.، (۱۳۷۲ ش)، *مجمع بیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
 ۱۶. الطریحی، فخرالدین، (۱۴۲۸ ق)، *مجمع البحرین*، تحقیق أحمد الحسینی، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی: الطبعة الأولى.
 ۱۷. عبدالباقی، محمدفؤاد، (۱۳۶۴ ق)، *المعجم المفهرس*، القاهرة: دارالکتب المصریة.
 ۱۸. الفیروزآبادی، مجدالدین، (۱۴۲۹ ق)، *القاموس المحیط*، القاهرة: دارالحدیث.
19. Kövecses, Zoltan, (2010), *Metaphor: A Practical Introduction*, New York: Oxford University Press, Second Edition.
20. Lakoff, G. (1993), "The contemporary theory of metaphor", In Geeraerts,
21. Dirk (Ed.). (2006) *Cognitive linguistics: basic readings (Cognitive linguistics*
22. research; 34). Mouton de Gruyter Berlin, New York, pp. 185-238.
23. Lakoff, George & Johnsen Mark, (2003), *Metaphors we live by*, Chicago: The University Of Chicago Press.

Name-Mappings of Life in the Hereafter in the Holy Qur'an Based on the Theory of Conceptual Metaphor¹

Zeinab Feizi²

Hossein Mohtadi³

Seyyed Heidar Far' Shirazi⁴

Abstract

Cognitive linguistics is a science that offers the possibility of new analyses of the various dimensions of linguistic activities and their close relationship with human thought, and its entry into the field of interpretation and semantics of the Qur'an has created an evolution in the understanding of Qur'anic texts. One of the branches of cognitive linguistics is cognitive semantics which is based on the relationship between language and mind and which considers metaphors as conceptual metaphors. In view of the metaphorical nature of the Qur'an, to acquire religious knowledge and reach Islamic worldview, it should be known that the metaphors of the Qur'an follow a special conceptual structure in identifying the ontological and epistemological teachings of human thought, and the Holy Qur'an, using this metaphorical nature, connects various fields and worlds based on which Qur'anic worldviews are formed. Therefore, applying the conceptual metaphor approach in understanding Qur'anic concepts can be important and effective. Using a descriptive-analytical approach, the present study aimed to examine the name-mappings of the life in life in the Hereafter in the Holy Qur'an using the conceptual metaphor theory first proposed by Lakoff and Johnson. By using conceptual metaphors in the interpretation of the life in the Hereafter, the Qur'an creates a great revolution in the knowledge of the world after death. The findings of this study in the form of recognizing the conceptual metaphors of the life in the Hereafter in the Qur'an, by transferring from tangible and recognizable spaces to mental and unfamiliar spaces, open new windows of systematic structure and intertwined networks of Qur'anic epistemological concepts on researchers of the Qur'an.

.Keywords cognitive semantics, conceptual metaphor, name-mapping, the Holy Qur'an, life in the Hereafter

1 Date Received: January 17, 2021; Date Accepted: April 7, 2021

2 MA Student of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University; Email: feizy63@gmail.com

3 Corresponding Author: Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University; Email: mohtadi@pgu.ac.ir

4 Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University; Email: shirazi@pgu.ac.ir